موضوع: بررسی حديث مدينه العلم

بررسی روایت 15 از مراجعه 48

موضوع بحث بررسی مراجعه 48 کتاب المراجعات است. در این مراجعه قرار بر آن است که علامه شرف الدین به درخواست شیخ سلیم، روایاتی که دلالت بر امامت امیرالمومنین (ع) می کند و موید آیه ولایت هستند را ذکر کند. ایشان در این مراجعه 40 روایت از منابع اهل سنت را ذکر می کنند. پانزدهمین روایت آن چنین است:

«قوله صلّى اللّه عليه و آله و سلّم: يوم عرفات في حجة الوداع: «علي مني و أنا من علي، و لا يؤدي عني إلّا أنا أو علي» ».[[1]](#footnote-1)

عبدالرؤوف مناوی در شرح این روایت می گوید: «أي هو متصل بى و انا متصل به فى الاختصاص و المحبة و غیرهما و من هذه تسمی اتصالیه من قولهم فلان کانه بعضه متحد به لختلاتهما». کلمه «من» در روایت اتصالیه است و معنای آن این است که علی (ع) متصل به پیامبر (ص) و پیامبر (ص) متصل به علی (ع) است. این مطلب بیان گر ارتباط خاص روحی میان این دو شخصیت است.[[2]](#footnote-2) این روایت در الجامع الصغیر، ح 5595 آمده است.

در ادامه روایت آمده است: و ادا نمی کند از جانب من مگر خود من یا علی (ع) . یعنی آنچه به پیامبر اکرم (ص) مرتبط می شود از امور مربوط به دین و حیات انسانها در چارچوب بایدها و نبایدهای دینی، که پیامبر اسلام ماموریت دارد آنها ادا کند، غیر از خود آن حضرت و علی (ع) کس دیگری نمی تواند ادا کند.

علامه شرف الدین در پاورقی می گوید: « أخرجه ابن ماجة في باب فضائل الصحابة: ص 92 من الجزء الأول من سننه، و الترمذي و النسائي في صحيحيهما، و هو الحديث 2531 في ص 153 من الجزء السادس من الكنز، و قد أخرجه الإمام أحمد في ص 164 من الجزء الرابع من مسنده من حديث حبشي بن جنادة بطرق متعددة كلها صحيحة، و حسبك أنه رواه عن يحيى بن آدم عن إسرائيل بن يونس عن جده أبي إسحاق السبيعي عن حبشي، و كل هؤلاء حجج عند الشيخين، و قد احتجّا بهم في الصحيحين. و من راجع هذا الحديث في مسند أحمد، علم أن صدوره إنما كان في حجة الوداع التي لم يلبث النبي صلّى اللّه عليه و آله و سلّم، بعدها في هذه الدار الفانية إلّا قليلا، و كان صلّى اللّه عليه و آله و سلّم قبل ذلك أرسل أبا بكر في عشر آيات من سورة البراءة، ليقرأها على أهل مكة، ثم دعا عليا- فيما أخرجه الإمام أحمد في ص 151 من الجزء الأول من مسند- فقال له: «أدرك أبا بكر، فحيثما لقيته فخذ الكتاب منه، فاذهب أنت به إلى أهل مكة فاقرأه عليهم»، فلحقه بالجحفة، فأخذ الكتاب منه قال: و رجع أبو بكر إلى النبي صلّى اللّه عليه و آله و سلّم، فقال: يا رسول اللّه نزل فيّ شي‏ء؟ قال: «لا و لكن جبرائيل جاءني فقال: لن يؤدي عنك إلّا أنت أو رجل منك ... الخ‏

و في حديث آخر- أخرجه أحمد في ص 150 من الجزء الأول من المسند عن علي- أن النبي حين بعثه ببراءة قال له: لا بدّ أن أذهب بها أنا أو تذهب بها أنت، قال علي: فإن كان و لا بدّ فسأذهب أنا، قال صلّى اللّه عليه و آله و سلّم: فانطلق فإن اللّه يثبت لسانك و يهدي قلبك. الحديث‏». این روایت در سنن ترمذی، ج4، ص 474، ح 3719 آمده است. نسائی نیز این حدیث را در خصائص، ص 11، ح74 آورده است. کسی که به مسند احمد درباره این حدیث رجوع کند می یابد که این حدیث را پیامبر اکرم(ص) است که در حجه الوداع بیان کرده اند. حجی که بعد از آن، حضرت مدت زیادی در دنیا باقی نماندند.

علامه شرف الدین در ادامه می فرماید: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ\* ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي‏ الْعَرْشِ مَكِينٍ\* مُطاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ\* وَ ما صاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ»[[3]](#footnote-3)، «وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى‏\* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحى‏»[[4]](#footnote-4)، فأين تذهبون؟ و ما ذا تقولون في هذه السنن‏ الصحيحة؟ و النصوص الصريحة؟ و أنت تأملت في هذا العهد مليا، و أمعنت النظر في حكمة الأذان به في الحج الأكبر على رءوس الأشهاد؛ ظهرت لك الحقيقة بأجلى صورة، و إذا نظرت إلى لفظه ما أقلّه، و إلى معناه ما أجلّه و ما أدلّه، أكبرته غاية الإكبار، فإنه جمع فأوعى، و عمّ- على اختصاره- فاستقصى، لم يبق لغير «علي» أهلية الأداء لأي شي‏ء من الأشياء، و لا غرو فإنه لا يؤدي عن النبي إلّا وصيّه، و لا يقوم مقامه إلّا خليفته و وليه، و الحمد للّه الذي هدانا لهذا و ما كنّا لنهتدي لو لا أن هدانا اللّه‏»[[5]](#footnote-5). مرحوم شرف الدین با استناد به آیات قرآن می گوید: آنچه پیامبر اکرم (ص) بیان می کنند، از جانب خداوند و وحی الهی است. بعد می گوید: اکنون طبق این روایت شما به کجا می روید و به چه عقیده ای روی می آورید؟ درباره این روایات چه می گویید که هم به لحاظ سند صحیح و هم به لحاظ مدلول صریح اند. اگر به درستی در این کلام نبوی (ص) تامل کنی، و در حکمت اعلام این مطلب در حج الاکبر و در برابر حاضران بسیار دقت نظر کنی، حقیقت به روشن ترین صورت برای تو آشکار می شود. اگر دقت کنی که لفظ این روایت چقدر کوتاه و معنای آن چقدر رسا است، می یابی که این سخن در نهایت بزرگی است. این روایت، مطالبی که برای هدایت جامعه اسلامی باید بیان شود در بر دارد و شامل همه امور مربوط به دین می شود. این روایت می رساند که باقی نمی ماند برای غیر علی بن ابیطالب (ع) شاسیتگی ادا در باره هیچ امری از امور. ممکن است بگویید این اختصاص تعجب آور است اما جای شگفتی نیست زیرا این امر تبلیغ دین و احکام آن به وصی او سپرده می شود و بجا است که گفته شود که همه این امور به او واگذار شده است. و جای او نمی ایستد مگر جانشین و کسی که از جانب او ولایت دارد. ستایش مخصوص خدایی است که ما را به این معرفت هدایت فرموده و اگر او ما را هدایت نمی کرد، بهره ای از این معرفت نداشتیم.

حاصل مطالب بیان شده از این قرار است:

1. متن روایت
2. مفاد این روایت، کلام پیامبر است که چیزی جز وحی الهی نیست.
3. این روایت از نظر مدلول، صریح و روشن است.
4. این روایت در حج اکبر و در میان انبوه حاجیان اعلام شده است
5. بسیار مختصر و در عین حال رسا و گویا است.
6. دلالت روشن بر اختصاص اهلیت امیرالمومنین (ع) بر خلافت و وصایت ایشان

در حاشیه نیز این چند نکته را ذکر کرده اند:

1. ناقلین این روایت از محدثان اهل سنت : ابن ماجه، ترمذی، نسائی، احمد حنبل.
2. تعدد طرق این روایت به روایت امام احمد حنبل در مسند
3. این حدیث در حجه الاوداع صادر شده است.
4. جریان فرستاد ابوبکر قبل از حجه الوداع برای قرائت آیات برائت بر مشرکان و سپس عزل او از این ماموریت و سپردن این امر به امیرالمومنین (ع)

انشاءالله در جلسه آینده به اشکالات ابومریم اعظمی در این باره می پردازیم.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المراجعات، علامه شرف الدین، ص 330- 331 [↑](#footnote-ref-1)
2. فیض القدیر، عبدالرؤوف مناوی، (شرح الجامع الصغیر، سیوطی)، ج4، ص 455 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره تکویر، آیه 19 تا 22 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره نجم، آیه 3 و 4 [↑](#footnote-ref-4)
5. المراجعات، علامه شرف الدین، ص 331- 332 [↑](#footnote-ref-5)